

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۲۵ خرداد ۱۳۶۳ برابر ۱۵ ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۱

صدای طبل جنگ جمهوری اسلامی:

آوایی خوش صدا در گوش امپریالیسم!

در هفته های اخیر درگیرهای نظامی میان ایران و عراق، و در منطقه خلیج فارس ابعاد تازه تری یافته است. حملات هوایی به کشتیهای نفتکش در خلیج فارس افزایش یافت. هواپیماهای ارتش جمهوری اسلامی ایران، در واکنش به حملات هوایی عراق علیه نفتکشهایی که از خاگ بارگیری می کنند، به نفتکشهای دیگر ممالک در آبراههای بین المللی حمله کردند. ناامنی آب راههای بین المللی در خلیج فارس فرصت تازه تری به دولت آمریکا داد تا طرحهای مفقه جلویانه و مداخله گرانه خود را در نبال نمایند.

ناوهای آمریکائی و دیگر دولتیهای امپریالیستی که از قبل راهی منطقه شده بودند. در آبهای خلیج به تردد پرداختند. با همین بهانه، طبق گزارش خبرگزاریها، از سوی نیروی دریائی آمریکا ناوهای جنگی بیشتری به منطقه اعزام شده است. استقرار دائمی ناوگان دریائی آمریکائی در دریای عمان و خلیج فارس، از جمله طرحهای نظامی گرانه ای بود که دولت ریگان، در راستای سیاست عمومی تجا و زگرانه خود، طراحی کرده بود. اینک با بهره گیری از فرصتی که فراهم شده است، ناوگان آمریکائی در آبهای جنوبی میهن ما مستقر شده اند.

در جنوب خلیج فارس، دولت های عضو " شورای همکاری خلیج " با میانداری عربستان سعودی، خرجه بیشتر بیکدیگر نزدیک شدنند. بقیه در صفحه ۲

سرنوشت لایحه "دولتی کردن بازرگانی خارجی": تجربه کامل روند خیانت حکام ج.ا. به اهداف انقلاب

که اسم لایحه خصوصی تر کردن تجارت خارجی، نام با مسامحتی برای آن بود. سرگذشت این لایحه طی دو سال گذشته، آینه وار چرخش به راست حکومت، از جمله دستگاه قانونگذاری آنرا ترسیم میکند. لایحه برای اولین بار در ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۱، به تصویب مجلس رسید. سازمان ما، بد رستی در آئینان مصوبه مجلس را گامی برای محدود کردن غارتگریهای کلان سرمایه داران از زیایی نموده بقیه در صفحه ۴

اولین دوره " مجلس شورای اسلامی " در آخرین روزهای کار خود " لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی " را به نام لایحه " نحوه انجام بازرگانی خارجی " تغییر داد و بررسی بیشتر و تصویب آن را به مجلس دوم واگذار کرد. تصمیمی که مجلس اول در روز ۱۳ اردیبهشت در مورد بخشی از ماده ۴۴ قانون اساسی گرفت فقط به تغییر نام خلاصه نمیشود. مضمون این لایحه ظرف دو سال گذشته چنان موبه موباً منافع " تجار شریف " هماهنگ گردید

اینجا بند ۲۸۰ است! در اینجا: "عشق به خلق" را، تعزیر میکنند و "انقلاب" را، به صلابه می کشند

" بند ۲۸۰ " همچون این و قزل قلعه، یک نماد تراژیک از سرنوشت انقلاب بهمن است. " بند ۲۸۰ " نامی است که جمهوری اسلامی، بر روی زندان " کمیته مشترک ضد خرابکاری " زمان شاه مدفون نهاده است. این مرکز، در قیام ۲۲ بهمن، به تصرف مردم درآمد. فتح آن، عظمت زیبایی و خلوت فتح " در باستیل " را داشت در جریان انقلاب کبیر فرانسه. مردم ایران میخواستند این مخوفترین شکنجهگاه ساواک، که بنای آن را رضا خان بی ریخته بود، با خاک یکسان شود. و یا موزایی گردد تا خذلان ددمنشان را گواهی باشد و عزم زنجشکان را. اما اینک گویی روح " حسینی " تهرانی، " رسولی "، " حسین زاده " و " عضدی " در کالبد های جدیدی حلول کرده و زندان کمیته مشترک، از فاشترین خوش، انتقام میگیرد. کشتارگاه کمیته، همچنان به کار خویش ادامه میدهد، حتی پروتکل از گذشته و مخوفتر از پیش. و این میطلبد عزمی بیش را و ساختار از پیش را برای فتح دوباره این شکنجهگاه.

ثمره یک دوره از فعالیت مجلس: محرومیتها افزوده تر و کیسه های غارتگری، فراختر شد

اطلاعات هفتم خرداد (در پایان کار این مجلس، تبلیغات زیادی حول دستاورد های آن، صورت گرفت. اما واقعیت چیز دیگری است. حقیقی برخی از عناصر درون حاکمیت نیز، اعتراف میکنند که تا کنون محرومین، محرومتر شده اند و کیسه های غارتگری، فراختر گشته اند. مجلس در پیش آمدن این روند، نقش مشخصی داشته بقیه در صفحه ۳

محرومیتها افزوده تر و کیسه های غارتگری، فراختر شد. در روز ششم خرداد ماه جاری، اولین دوره فعالیت مجلس، به پایان رسید. در این دوره، که با تلاطمات سیاسی حادی توأم بود، " نزدیک به ۸۰۵ لایحه و طرح، به مجلس آورده شد که حدود نصف آنها بحث شد. و بعضی از آنها مکرر از شورای نگهبان برگشت خورد. (رفسنجانی در جلسه اختتامیه مجلس -

قداره کشی های "انجمن های اسلامی" و قفاله های سلطنت طلب در کشورهای اروپائی

نیروهای انقلابی تبدیل کرده است. " انجمن های اسلامی " برای تکمیل سرکوبگریهای حکومت، علیه نیروهای انقلابی، هر روز دست به آواشگری های جدیدی میزنند. بقیه در صفحه ۲

خیانت رهبران جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب شکوهمند بهمن بالطبع " انجمن های اسلامی " را که در رابطه تنگاتنگ با ارگانهای سرکوبگر حکومت هستند، به نهاد های خبر چینی و جاسوسی، چماق کشی و زنجیر کشی علیه

اعتصاب غذای ۵ روزه در ایتالیا علیه کشتار و اختناق در ایران

در صفحه ۱۰

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

قداره‌کشی‌های "انجمن‌های اسلامی" و مقاله‌های سلطنت طلب در کشورهای اروپایی

بقیه از صفحه اول

حمله عوامل و مامورین ارگانهای سرکوبگر حکومتی در اول ماه مه به صفوف کارگران اسپانیا که در شهر بارسلون برای گرامیداشت روز جهانی کارگر گرد آمده بودند و فداییان و توده‌ایها نیز دوشادوش آنان راهپیمایی میکردند، آن چنان نفرت کارگران شرکت کننده در راهپیمایی را دامن زد که با طنین اندازی شعارهای کوبنده کارگران علیه مامورین و همکاریان شکنجه‌گران جمهوری اسلامی در این راهپیمایی، آنان به ناچار پا به قرار نهادند.

روز ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت) نیز اعضای "انجمن اسلامی" شهر کاتانیای سیسیل واقع در جنوب ایتالیا با چاقو، زنجیر، پنجه بکس و ... به دانشجویان مترقی و مبارز، از جمله رفقای فدائی و توده‌ای حمله نموده و تعدادی از آنها را مجروح کردند. جراحت یکی از دانشجویان که با چاقو مورد تهاجم این اوباشان واقع شد، به حدی بود که به ناچار مورد عمل جراحی قرار گرفت. نیروهای انقلابی در اروپا و آمریکا تنها

مورد تهاجم عریه‌کشان "انجمن‌های اسلامی" واقع نمیشوند. آنها پس مانده‌های سلطنت طلب را نیز در برابر خود دارند. از جمله روزها ۱۳ و ۲۰ آوریل، همپالکی‌های دیسروز "فرد و سته‌ها" این نوکر شاهزاد شاه معصوم و کارگزار امتیعی پشت پرده ج. ۱۰، دارو دسته بختیار و دیگر سلطنت طلبان، که هنوز آثار شلاق و شکنجه آنان از بدن انقلابیون محو نشده است به میز فروش کتاب هواداران چریکهای فدائی اقلیت، راه کارگر، و مجاهدین خلقی در "سیت" پاریس حمله کردند. این اوباشان ساواکی‌ها و لمپن‌های سلطنتی، همچون اوباشان "انجمنهای اسلامی" به چاقو، کابل، نانچوکا و چاقو مجهز بودند. این یورش با مقاومت دانشجویان هوادار نیروهای انقلابی روبه‌رو شد. در مقابل این قداره‌کشی‌های دوجانبه باید متذکر شد و با اتحاد و انسجام عمل همه ایرانیان مبارز و میهن دوست، در افشای ماهیت و عملکرد ضد انقلابی و ضد مردمی هر دودسته این اوباشان کوشا بود.

بین المللی، مردم رنج دیده ایران، ملت عراق و همه بشریت ترقیخواه و صلحدوست، وقعی ننهد و به حمله گسترده جدیدی متوسل شود، آنگاه یاردیگر فاجعه ای رخ خواهد نمود که ابعاد آن بصراحت از پیش، وحشتناک تر خواهد بود. سران جنگ طلب جمهوری اسلامی، به دنبال درخواست دبیرکل سازمان ملل مبنی بر قطع بعباران مناطق مسکونی، ضمن پذیرش "رسمی" آن، باز شعارهای جنگ طلبانه ای سردادند و همچنان آلترناتیو بروز یک فاجعه را، در برابر

بقیه در صفحه ۳

صدای طبل جنگ جمهوری اسلامی: آوایی خوش صدا در گوش امپریالیسم!

بقیه از صفحه اول

توطئهای بود که تنها توسط رژیم عراق طراحی و پیاده شد و آمریکا هم در آن "خیلی بدش نیاید" و دلتهای جنوبی خلیج فارس "بطور ناخودآگاه و نا هوشمندانه" بنه آن کشید شدند رئیس شورای عالی دفاع البته نمیکود که دولت جمهوری اسلامی با تاکید لجوجانه بر ادامه جنگ، از جمله سازندگان همان وضعیت است که "آمریکا البته استقبال میکند".

مقامات جمهوری اسلامی که همچنان گستاخانه در برابر خواست توده‌های میلیونی مردم مبنی بر قطع فوری جنگ مقاومت میکنند، میکوشند با جلب رضایت امپریالیسم و ارتجاع، در جنگ با عراق موقعیت بهتری دست و پا کنند. رئیس جمهور خامنه‌ای، حتی پس از حملات هواپیماهای عربستان سعودی به هواپیماهای ایرانی، تاکید میکند "بیخود رادیوها و تبلیغاتچی‌های دنیا توی گوش مرتجعین منطقه اینچور خواندند که ایران با شما مخالف است، نه آقا ما مخالف نیستیم".

جمهوری اسلامی همراه با دادن تعهد به "مرتجعین منطقه"، بر اساس پارسا رازی گزارشها، آماده میشود تا حمله گسترده دیگری را برای فتح عراق آغاز نماید. بیگانان این حمله نیز بمانند عملیات پیشین، برای مردم ایران صریح جزدهها هزار کشته، خبر رنج و بدبختی بیار نخواهد آورد. د ولت مردان جمهوری اسلامی میکنند با عملیات در مرزها بحرانی ناشی از ناامنی خطوط دریائی در خلیج فارس، تحتالشعاع قرار خواهد گرفت. درست تر اینکه در زیر غبار خونین برخاسته از نبرد گسترده در مرزها، پیشبرد طرحهای نظامی گرانده پنتاگون در خلیج آسانتر میشود. در چنین اوضاع و احوالی در روزهای گذشته نیروی هوایی د و کشور ایران و عراق شهرهای یکدیگر را در هم کوبیدند. بر اساس گزارشها، تعداد بسیاری از ساکنین این شهرها کشته و مجروح شده و ویرانی‌های بسیاری ببار آمده است. اقدام

نفرت انگیز و جنانت کارانه حکومتی د و کشور ایران و عراق، در بمباران شهرها و کشتار فجیع ساکنین آن، برخلاف همه قوانین و موازین بین المللی و در تقابل با اراده و خواست مردم سراسر جهان صورت می گیرد.

در هفته گذشته، دبیرکل سازمان ملل متحد، از د و کشور ایران و عراق خواست که در رابطه با بمباران شهرهای مسکونی یکدیگر، از روز ۲۲ خرداد، آتش بس برقرار کنند. باید خواستار تدوین و بسط این ابتکار مفید شد و ناقضین مفاد آن را محکوم ساخت. اگر ایران به درخواست سازمان ملل و دیگر سازمانها و محافل سیاسی

"شورای همکاری خلیج"، که در آغاز جنگ ایران و عراق شکل گرفته بود، از دیدگاه امریکاییها به نطفه یک پیمان نظامی تلقی میشد که میبایست در پیوند با دیگر دلتهای مرتجعین منطقه، حافظ منافع امپریالیسم و ارتجاع گردد. به منظور حذف مقاصد و اهدافی که در برابر این طرح قرار داشت لازم بود "شرایط مناسبی" فراهم آورده شود. گسترش حملات هوایی به کاروانهای دریائی، بر زمینه ادامه جنگ میان ایران و عراق، همان "شرایط مناسب" مورد نظر پنتاگون میباشد. حملات هوایی به نفتکشها در خلیج فارس، آمد و رفت کشتیها را در آبراههای بین المللی، دچار اختلال کرد. هواپیماهای عربستان سعودی تحت عنوان دفاع از امنیت خطوط دریائی وارد عملیات شده و هواپیماهای ایرانی را سرنگون ساختند. باین ترتیب مداخلات حوزة گسترده تری یافته و وضعیت بهمانگونه ای آشفته میشود که امپریالیستهای آمریکائی میخواهند، با پیش بینی چنین شرایطی بود که چندی پیش فرمانده نیروی دریائی آمریکا در خلیج فارس، دریاسالار پریم، با خرسندی خاطر اعلام داشته بود که "به زودی در این منطقه تحت رهبری آمریکا گروهی نظامی سیاسی مطابق الگوی ناتو تشکیل خواهد شد". طبق گزارش مطبوعات بین المللی، آمریکا در کنفرانس لندن که در تاریخ ۹ ژوئن ۱۹ خرداد پایان یافت و در آن سران کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا، کانادا و ژاپن شرکت جسته بودند - موفق شده است که کشورهای امپریالیستی را برای مداخله احتمالی خود، به همراه انگلیس و فرانسه، در منطقه خلیج فارس، همراهی سازد. در این کنفرانس گفته شده که کشورهای امپریالیستی آمادگی کافی از نظر ذخایر نفتی برای مقابله با بسته شدن شریان آن در خلیج را دارند. به ژاپن نیز قول داده شده است که در صورت اختلال در امر صدور نفت به این کشور، از نظر تامین مایحتاج نفتی، به یاریش بشتابند.

د ولت مردان جمهوری اسلامی که با سماجت بر ادامه جنگ پای میفشردند، و با اعمال و گفتار شان بر آشوب دامن میزنند، از طرحهای آمریکا بیخبر نیستند. خامنه‌ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، اذعان دارد که آمریکا "مایل بود درگیری در خلیج فارس انجام بگیرد" تا دلتهای منقلبه "خودشان را بیشتر به آمریکا بچسبانند". آمریکا از این استقبال میکند. بنا بر این آمریکا هم از ماجراجویی عراق خیلی بدش نیاید. البته ایشسان تمایل دارند و نمیدانند آنچه که رخ داد داشت

نمره يك دوره از فعاليت مجلس:

محروميتها افزوده تر و كيسه های غارتگری، فراختر شد

بقیه از صفحه اول

است. بنا بر این همین اعتراف در واقع اراشه کارنامه حقیقی مجلس و برآیند عموی ۸۰۵ طرح و لایحه آن نیز هست.

رای مخالفت مردم میهن ما در جریان انتخابات دوره دوم مجلس، خود به مثابه "نمره رد" بود. در زیر کارنامه "دوره اول".

هنگامی که مجلس اول، کار خود را آغاز کرد، عمدتاً به خاطر رقابت یا نهاد رئیس جمهور - که در آن هنگام، بنی صدر را در راس خود داشت - مرتب بر روی این نکته، تاکید میشد که مجلس اساس، جوهر و محور نظام است. اما بعد از حذف رقیب و بالا رفتن اختلاف مجلس و شورای نگهبان، کار به جایی رسید که در پایان روند این کشمکش، مجلس به نهاد تبعی ایمن ارگان، تبدیل گردید.

شورای نگهبان منافق بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، در جریان انتخابات اخیر، پس از موضع گیری صریح رهبری حکومت به نفع آن، علناً به مقام رکن و محور نظام، ارتقا پیدا کرد و مجلس زایده آن، قلمداد شد.

درگیری مجلس و شورای نگهبان، نمودی بود از يك تضاد عموی در کل دستگاه، که در خود مجلس نیز، بازتاب می یافت. ایمن تضاد حول مباحثی چون مالکیت، اصلاحات ارضی، تجارت خارجی، مساله مسکن و ... جلوه های بارزی می یافت. مجلس همراه با بقیه نهادهای دایره قدرت، به راست چرخش یافت، گاه خود موضع راست را پذیرفت و گاه به ایمن موضع - به عنوان نمونه در رابطه با شورای نگهبان - گردن نهاد. در این مسیر، مقاصد محددی صورت گرفت و گاه حرفه ایی از سر استیصال، زده شد.

در ترتیب این مجلس، برخی به نفع تضاد غارتگری بی بند و بار سرمایه داری، گلوئی خود را پاره میکردند، برخی از حاشیه، همچون آن وکیل مشهور مجلس اول مشروطیت، اعجازانه میخواستند که از "نان و گوشت هم، حرف بزنند!"، برخی نیز آنگاه دست به افشاگریهای زدند.

اکثريت آن ۸۰۵ طرح و لایحه ای که در دستور کار مجلس اول، قرار داشت، پس از جهت گسترش بوروکراسی و تجدید سازمان نهاد های مختلف برومبای هدف تثبیت قدرت دستگاه بود. آیا در جهت تجهیز قوه قضاییه به قوانین ارتجاعی ای همچون قصاص و یا ایمن که به رفق و وفق روزمره امور، اختصاص داشت نگاهی به عناوین همه قوانین تصویب شده در مجلس، نشان میدهد که هرج و مرج و بی برنامه گی عجیبی بر کل نظام حاکم است و در عین حال، دیده میشود که از خلال همه

این هرج و مرج و مرجها و شلنگ اندازیهای ایمن سو و آن سو، خط معینی میگذرد که مختصات آن، از يك طرف پشت کردن به خواسته های مردم است و از طرف دیگر میل به تحکیم بیشتر قدرت.

لویج محدودی که در دوره اول مجلس، به مسایل و موضوعات گرهی حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، اختصاص داشت، در جریان تصویب و یا "توشیح" شورای نگهبان، سرگذشت اسفناکی، پیدا کردند. به عنوان نمونه در رابطه با اصلاحات ارضی، قانون نیم بندی به تصویب رسید که بعد از وتی شورای نگهبان، بدست فراموشی سپرده شد. قانون مالك و مستاجر، حتی از قانون شاهنشاهی مربوط به آن منگ مالکان را بیشتر به سینه کوفت. با قانون بازسازی در جریان تصویب و نیز اجسرا، برای قلع و قمع نیروهای انقلابی و دگراندیش، سمت و سو پیدا کرد؛ در قوانین مربوط به بانکها، جای واژه های اقتصاد سرمایه داری با الفاظ شرعی، عوض شد؛ در قانون اجسراب، انحصار طلبی و سرکوب نیروهای انقلابی، به محور بدل گردید؛ لایحه نیم بند تشکیل وزارت بهداشت و درمان، مورد توشیح شورای نگهبان قرار نگرفت و هرج و مرج و سودجویی های سرمایه دارانه در زمینه امور پزشکی، همچنان تداوم پیدا کرد؛ طرح توزیع عادلانه آب و نیز قانون مربوط به معادن، ولی رغم همه کاستیهایشان، در شورای نگهبان "ذبح شرعی" شد. و این زنجیره که هر حلقه آن، حلقه ای بود بر دست و پای زحمتکشان و نیروهایی که در راه رهایی آنان می رزمید، همچنان ادامه یافت، تا این که در واپسین روزهای عمر مجلس، به "شاه" کار و حسن ختام آن یعنی لایحه "دولتی شدن بازرگانی خارجی" که عنوان جدید آن، قانون "نحوه اجرای بازرگانی خارجی" است، رسیدیم.

سرنوشت این لایحه، از آغاز تا انجام خود میتواند مظهر چرخش های درون کل رژیم جمهوری اسلامی باشد و در رابطه با مجلس، نشان دهد که چگونه بالاخره بین نمایندگان و "نگهبانان" منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، "وحدت کلمه" حاصل شد و در پایان دوره اول، چگونه آنان، برای لگدکوب کردن دستاوردهای انقلاب، دست به دست هم دادند.

بعد از این که ایران توانست تجاوز عراق را دفع کند، مجلس همواره بر ادامه جنگ، کشتار و ویرانی، "تکبیر" گفت. این یکی از برجسته ترین لکه های سیاه کارنامه مجلس اول است. مجلس در طی این مدت،

در این رابطه دم به دم موضع ارتجاعی تری گرفت و آشکارا از "صدور انقلاب" دم زد. اگر در این مورد در مجلس، يك صف بندی جذبی و علنی، پیدا میشد، سریعاً در میان مردم انعکاس می یافت. در این صورت مقاومت سازمان یافته تری در برابر جنس افروزیهای حاکمیت شکل داده میشد. در پایان کار مجلس اول، اهدافی که در سخنرانیها، پیامها و نوشته های تبلیغی، فراراه مجلس بعدی گذاشته شد، همان هدفهای بودند که چهار سال پیش، به صورت يك سری کلی کوی، برای نمایندگان، نیل به آنها مقرر شده بود. این خود اعتراضی است به این نکته که دوره اول، شرعاً نداشته است و آن همه هیاهو در پایان کار، برای هیچ و پوچ، صورت گرفته است.

کارنامه دوره اول، آن چنان خالی از دستاوردهای مردمی، بی افتخار و سیاه است که حتی این اواخر، آقای رفسنجانی بیم آنرا داشته است که مبادا برخی از نمایندگان، برای این که خرج خود را سو کنند، در ماههای پایانی کار مجلس اول، از ترتیبون آن، دست به افشاکاری بزنند. (رجوع شود به نطق اختتامیه مجلس - اطلاعات ۷ خرداد)

و حال مجلس دوم، کار خود را از نقطه ای آغاز می کند، که حتی از نقطه پایان کار مجلس اول، فرودست تر است. با پیام افتتاحیه مجلس و متعاقب آن نطق خامنه ای و بیانیه شورای عالی قضایی، گر به دم حمله کشته شد. همه امر کردند که این بار به هیچ پرو "غضا سالاری" (اصطلاح رئیس جمهور) از ترتیبونهای مجلس را تحمل نخواهند کرد و دیگر کسی نباید، حتی گهگاه اعتراض کند که "برای رضای خدا، از نان و گوشت هم، حرف بزنید!" در این میان خامنه ای و بقیه زعمای قوم این نکته بدیهی را نادیده گرفتند که "نان و گوشت" خود زبان دارند و هم اکنون نیز دارند حرف میزنند. وای به روزی که به فریاد درآیند!

صدای طبل جنگ...

بقیه از صفحه ۲

آلترناتیو صلح نهادند.

دامن زدن بر آشوب و تشنج در منطقه و پافشاری بر ادامه جنگ توسط جمهوری اسلامی، راهگشای حضور و مداخلات امپریالیسم در منطقه و زمینه ساز تکین بازم بیشتر د ولت مردان جمهوری اسلامی به باج خواهیهای امپریالیستی است. همواره در پویش و ضاعی اینگونه متشنج، کشتار و پیگرد و سیع نیروهای کمونیست و مترقی صورت گرفته است و همواره برای مردم جز مرگ ورنج و ویرانی بیار نیامده است. ادامه جنگ و تدارک عملیات گسترده نظامی مخالف منافع مردم ما و خلقهای منطقه و سراسر جهان است که علی رغم اراده و خواست نیروهای صلح و ترقی در جهان جریان دارد. مردم صلح می خواهند، جنگ و آشوب و کشتار باید قطع شود.

سرفوشت لایحه "دولتی کردن بازرگانی خارجی": تجسم کامل روند خیانت به اهداف انقلاب

بقیه از صفحه اول

و نقاط ضعف اساسی لایحه مزبور و اشکالات تجاری آنرا اعلام کرد. اشکالات مهمی که بر روی آن انگشت گذاشته شده بود، ابهام موجود در رابطه تجارت خارجی با توزیع داخلی و همچنین نداشتن ضمانت اجرایی برای آن بود زیرا در آن هنگام، عسکرا ولادی مسلمان در راس وزارت بازرگانی قرار داشت و اگر بهترین قانون هم وضع میگردد و مقرر میشد که توسط طرفداران سرمایه بداری و مدافعان غارتگری "تجار محترم" به اجرا درآید در عمل نتایجی جز تداوم غارتگری تجارت عمده وابسته به امپریالیسم در بر نداشت. شورای نگهبان، "تجار محترم" را زیاد در انتظار نگذاشت و اعلام کرد: "لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی از نظر قانون اساسی مغایر شناخته نشده ولی از لحاظ شرعی ... به تأیید اکثریت فقهای شورای نگهبان نرسید".

مهدوی گنی که در آن زمان عضو شورای نگهبان بود، طی مقالهای که در اکثر روزنامه‌ها به چاپ رسید، درباره علت رد این لایحه از سوی شورای نگهبان نوشت:

"قسمتی از تجارت خارجی باید در دست دولت باشد ... والا اگر همه تجارت (خارجی) بطور کلی در دست دولت باشد، نه مصلحت است و نه نظر ما نه مطابق با اسلام و نه مطابق با قانون اساسی است." (اطلاعات ۱۶ آذر ۶۱، تأکید از ماست) وی در قسمت دیگر این مقاله نوشت: "من فکر میکنم برای همین امر مهمی با یکی دو ماه نشستن و فکر کردن و بحث کردن بتوان قانون مفید و صحیحی وضع کرد و سپس آن را به مرحله اجراء درآورد." (همانجا) نه بعد از "دو ماه نشستن و فکر کردن و قدری بحث کردن" که پس از نزدیک به دو سال این لایحه مجدداً در مجلس مطرح گردید. طی این دو سال هیأت حاکمه - از جمله بخش بزرگی از نمایندگان مجلس - از مواضع قبلی خود عقب نشستند و به شورای نگهبان که تجلی اراده و منتخب رهبری جمهوری اسلامی است، تسلیم شدند.

گزارش رئیس کمیسیون ویژه بررسی لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی، در جلسه علنی ۳۰ فروردین ۶۳ نمودار چشمگیر سرگذشت این لایحه و همچنین نمونه ای از تسلیم بخش عظیمی از نمایندگان مجلس به شورای نگهبان منافع بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران است. نمایندگان که قبلاً به اجرای مواد مردمی قانون اساسی، از جمله اصل ۴۴ تأکید بسیاری می ورزیدند و در قسمتی از گزارش خود گفت:

"در نامه شورای نگهبان گفته شده که شواکل امور صادرات و واردات را منحصر در اختیار

دولت می خواهید قرار دهید، این انحصار ... اختیارات شرعی کسانی که (بخوان تجار بزرگبار) حق خرید و فروش و معاملات و این قبیل را دارند محدود می کند، خلاف است ... کمیسیون برای حل مسأله گفت که ما اعلام می کنیم تجارت خارجی آزاد است، اما هر کسی از پول خود ش ... یعنی اگر بخش خصوصی می خواهد کالایی وارد کشور کند، از ارز خود ش می تواند انجام دهد ... اما نمایندگان شورای نگهبان این راه حل را نپذیرفتند و گفتند "درست است که شما تجارت خارجی را آزاد کرده اید، ولی بخش خصوصی که ارز ندارند و این دریا بن امر باز تجارت خارجی در انحصار دولت است ... بدین ترتیب ما ناگزیر بودیم که لایحه را به مشکلی اصلاح کنیم که شورای نگهبان آنرا بپذیرد ... (موسوی خویی ها، اطلاعات اول و دوم پیهشت ۶۳)

مجلس شورای اسلامی پس از آن که این لایحه را مطابق نظریات شورای نگهبان تنظیم نموده و آن قسمت لایحه را که مقرر می داشت، بخش خصوصی فقط با "ارز تحصیلی" خود کالا وارد نماید حذف کرد، موادی به آن اضافه نمود که به "تجار محترم" اجازه می داد کالاهایی را که "حجم ارزشان طبق تعرفه کمتر از یک هزارم کل واردات کشور است" با ارزی که دولت در اختیار آنها می گذارد، وارد کنند.

اما شورای نگهبان این لایحه را مجدداً نپذیرفت و به مجلس عودت داد. در حقیقت این لایحه مو به مو با نظریات شورای نگهبان تطابق داده شده بود، ولی شورای نگهبان غارتگران در پناه حمایت مجددی که رهبری جمهوری اسلامی در آغاز دو مین مرحله انتخابات مجلس از آن نمود، به اصطلاح دبه درآورد! و به مجلس نوشت: "نظر شورای نگهبان که عدم مشروعیت دارد مستقیم و منحصر بازرگانی خارجی بوسیله دولت در غیر موارد ضرورت است در صلاحیت تأمین نشده است، چنانچه مباشرت مستقیم و منحصر دولت در کل امور بازرگانی خارجی یا بخشی از آن ضرورت داشته باشد طبق فرمان حضرت امام مد ظله العالی باید به تصویب و وثلت نمایندگان محترم برسد" (اطلاعات اول خرداد) یعنی در لایحه حتی اگر بخشی از تجارت خارجی هم در انحصار دولت منظور شود باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد.

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی ۱۳۱ اردیبهشت ۶۳ مجلس مجدداً و برای آخرین بار این لایحه را مورد بررسی قرار داد. رئیس کمیسیون مربوطه برای حسن ختام (۱۱) کار مجلس اول گفت:

"ما زاینکه بر حسب ضرورت چیزی را تصویب

کرد و به مجلس ارایه بدیم در کمیسیون منصرف شدیم و اصلاً در این باب وارد نشدیم، در نتیجه چند قلم کالای خاص را گفتیم (گفته بودیم) منحصراً در اختیار دولت باشد، از خیر آن انحصار هم گذشتیم (۱۱). دیگر لایحه دولتی کردن تجارت خارجی باین وضع معنا ندارد و اسم این لایحه را گذاشتیم "نحوه انجام بازرگانی خارجی". (اطلاعات اول خرداد ۶۳) با اینهمه مجلس اول رسالت "ادامه بررسی" سه ساله این لایحه را به مجلس دوم واگذار نمود و چنین کارنامه سیاه و پایان نامه ننگین خود را رقم زد.

لایحه تجارت خارجی با آخرین تغییراتی که در آن صورت گرفت در محتوی و فرم از قانون انحصار تجارت خارجی در ایران که در سال ۱۳۰۹ در زمان رضاخان معدوم به تصویب مجلس دوره شاهنشاهی رسید، بغایت ارتجاعی تر است. این قانون شاهنشاهی برای مقابله با بحرانهای بزرگ کشورهای سرمایه داری در سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲ به تصویب رسید و تجارت خارجی ظاهراً در انحصار دولت قرار گرفت و دولت در ابتدای هر سال با اعلام سهمیه به بازرگانان اجازه می داد کالاهای مجاز را وارد کنند و بسمه سود بازرگانی بپردازد.

دستگاه قانون گذاری با آخرین تغییراتی که در لایحه یاد شده داد، عملاً و بطور رسمی نشان داد، که قانون اساسی را بعنوان "قانونی که در فضای خاص آن روز تنظیم شد" و حتماً "دیگر اعتبار شرعی و قانونی ندارد" ارزیابی می کند و اصول مردمی آنرا قبول ندارد و نمی خواهد لوایچی در چارچوب این اصول به تصویب برسد.

تجارت خارجی که بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی قاعدتاً باید دولتی باشد، اگر هم مشابه مصوبه سال ۱۳۱۱ از "دالان بهشت" شورای نگهبان می گذشت و به تصویب می رسید اکنون که هیأت حاکمه زمانه منافع تجار بزرگ غارتگر دفاع می کند، کاریست بهتری از "قانون انحصار تجارت خارجی ایران" دوران شاهان معدوم دینی نداشت.

تجارت خارجی، همواره مجرای عمده وابستگی به انحصارهای امپریالیستی و سلطه غارتگران آنان بر اقتصاد میهنان بوده است، احیای سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در ایران، نابودی اقتصاد ملی، غارت منابع طبیعی کشور توسط امپریالیستهای تداوم طبیعی سیاست دفاع از تجار محترم و "استوانه های انقلاب" در جمهوری اسلامی است.

اینجا بند ۲۸۰ است!

در اینجا: "عشق به خلق" را، تعزیر میکنند و "انقلاب" را به صلابه می کشند

د هانغان را بگو کردند
حرف عشق را زده بودیم
به تازیانه مان بستند!مطلبید عزمی بیشتر را و ساختار از پیش را برای
فتم دوباره این شکنجهگاه.

اینجا بند ۲۸۰ است.

مرکز کمیته مشترک ضد خرابکاری " را بعد از
انقلاب، "بند ۳۰۰۰" نامیدند. بعد بران نام
"بند ۳۸۰" نهادند و اکنون آنرا "بند ۲۸۰"
مینامند. این زندان در نزدیکی میدان توپخانه
است. آنجا که قلب تهران گرم و پر تنش می تپد.
پاسداران نظام جمهوری اسلامی، همچون
پاسداران نظام شاهنشاهی، به خاطر موقعیت
شهری "کمیته"، بدان اهمیت ویژه ای میدهند.
"کمیته" در مرکز شهر است و لذا میتوان اگر
قراری لورفت، زود، کمیته چی ها را، برای
دستگیری انقلابیون گسیل داشت.

مخاطبین و نگهبانان محوطه داخل و خارج
"بند ۲۸۰"، از میان عقب ماندگان ذهنی،
بی شعورترین متعصبین مذهبی، جانبدارترین
لویس ها و نیز از میان ساواکی های سابق
و ضد انقلابی ترین کمیته چی های فعلی، انتخاب
شده اند.

آنها سه شیفته کار میکنند، یک شیفته بر سر
مسئولیت خود هستند، یک شیفته در حال آماده
باشند و یک شیفته در حال استراحت. بعد از
۴۰ روز پست آنان را عوض میکنند تا مبادا در
نزدیک نفر، اطلاعات زیادی جمع شود.

آنها بی که تنها نگهبانند و تماس مستقیمی
با زندانیان ندارند، نمیدانند که داخل
"بند" چه میگذرد. هفتای دوار، برای پتان
جلسه توجیهی میگذارند، تا مبادا بارقای از
شعور، در مخزنشان رسوخ کند. آنها هم زندان
را میبایند و هم یکدیگر را. هر یکی جاسوس
دیگری است.

بازجویی

پس از این که گروههای ضربت، شکار خود
را صید کردند و او را به "بند ۲۸۰" آوردند،
بلافاصله بازجویی و "تعزیر" شروع میشود. این
شکنجهگاه چند اکیپ بازجو دارد که با هم
در رقابتند. بازجویی، به دفعات صورت
میگیرد. بسیار پیش میآید که آدم، بیش از سه
ماه زیر بازجویی باشد.

به محض دستگیری فرد، بر او چشم بند
میزنند. در "بند ۲۸۰" دو نوع چشم بند،
رایج است: یکی معمولی است و دیگری چشم
بند ابهری نام دارد که بر روی چشم فشار وارد
میآورد و هر گونه تلاشی را برای دیدن از زیر
آن، بی ثمر میگذارد. در هنگام بازجویی
و "تعزیر" نیز، باید چشمهای فرد، بسته
باشند.

بازجویی، ترکیبی است از شکنجههای
جسمی و شکنجههای روانی. از همان ابتدا
به تو میگویند: "گناهکاری، ملحدی، منافقی
محاربی، جاسوسی، نفوذی هستی!" و گاه
کوشای از اطلاعات خود را که در جریان
تحقیقات، از طریق تعقیب و مراقبت و یا احیاناً
بوسیله شکنجه از دستگیر شدگان دیگر، بدست
آورد باشد، رو میکنند تا وانمود سازند که
همه چیز را میدانند.

در هنگام بازجویی، از زندانی میخواهند هر گونه اطلاعاتی دارد،
در اختیار آنان بگذارد. گاه عکسهای فردی
یا دسته جمعی میآورند و میخواهند که زندانی
آنان را شناسایی کرده و در مورد هر یک که
میشناسد، اطلاعاتی ارائه دهد.

اعتراف به مارکسیست بودن در هنگام
بازجویی، برابر است با گرفتن حکم اعدام.
بازجو، گاه از در مهربانی وارد میشود،
ولی به ناگهان چهره حقیقی خویش را عیان
میسازد، کشیده محکمی زیر گشت میزنند
و صندلی را از زیر پایت، میکشد و تو کسه
چشمهایت بسته است و قادر به حفظ تعادل
خود نیستی، چون تکه سنگی بر زمین میافتی
و بعد بارانی از مشت و لگد، بر سر صورت و
پهلوت، فرو میبارد. در همان حال، بازجو
عریده میکشد:

"مگر ایران اسلامی جای کمونیستهاست؟!
مگر اینجا شوروی است؟! زیر آفتاب کبابستان
خواهیم کرد! آنقدر شلاقان میزنیم که حرف
زدن، یادتان برود! این عریده ها، همواره با
موهنترین و رکیکترین دشمنها، همراه است.
آنگاه شکنجه آغاز میشود.

شکنجه

شکنجه برد و نوع است: "مدرن" و "سنتی".
شکنجه مدرن به مدد شوکهای الکتریکی استفاده
از داروهای مخدر و روانگردان، انجام میشود.
شکنجه سنتی، عمدتاً به وسیله شلاق زدن، انجام
میگیرد. در خیماں جمهوری اسلامی از دو نوع
شلاق، استفاده میکنند: یکی شیلنگ آب است که
درد کمتری دارد و دیگری کابل سیمی یا سر برهنه
است که عمدتاً به کف پا زده میشود و بسیار دردناک
است. برای شلاق زدن، شاه زندانی را به وسیله
طناب و قرقره مخصوص، از سقف آویزان میکنند تا
بر اثر فشار وزن خود، شش نیز زجر بکشد.

بعد از شلاق زدن، معمولاً نوبت "دستبند
قپانی، میرسد. دستها را در حالیکه یکی دریائین
قرار دارد و یکی از پشت گردن آمده است،
حتی الامکان میکشند و با دستبند بهم دیگر میبندند
گاهی برای این که، اثر دستبند، بر روی مچ دست
باقی نماند، زیر آن یک تکه پارچه، قرار میدهند.
اما این پارچه خیلی زود بر اثر تقلائی زندانی، کنار
میرود و دستبند در پوست و گوشت دست، میخلد.
در این شیوه شکنجه، بیشترین فشار به
قفسه سینه و عضلات کتف وارد میشود.

قلم، از توصیف آنچه که در زندانهای
جمهوری اسلامی میگذرد، بر عاجز و ناتوان
است. چگونه میتوان فریاد دلخراش اسیری را
که در زیر تازیانه میر غضبان رژیم، از در زمین
را به چنگ و دندان میکند، به توصیف درآورد؟
این فریاد، فریاد خلقی است که آرمانهای
انقلاب بهمن را فرونشسته است و اکنون،
برای پاسداری از آن، از جان بهترین فرزندان
خویش، مایه مینهد. چگونه میتوان فشرده شدن
و درهم پیچیدن آن قلبهای پاک را به وصف
درآورد که هرگز جز برای پیروزی زحمتکشان،
اعتلای میهن و رهایی تمامی بشریت ننشیدند
و نیز شرحه شرحه شدن آن سینههای گشادهای
را که گنجینه اسرار خلقتند و سرشار از عشق
به آزادی و عدالت؟ در توصیف کشتارهای
رژیم حاکم بر ایران، قلم باید در یک آن فاصلهای
را طی کند به وسعت تاریخ، این عرصه نبرد
"داد" و "بیداد". آنکه تازیانه در کف
دارد مظهر سببیت است و آنکه فریاد میکشد،
در بلندای آدمیت، سقوط تا کجا و عروج تا
کجا!

اما باید گفت!...

باید گفت هر چند بازیانی الکن و کلماتی قاصر!
باید جهانیان بدانند که در شکنجههای
جمهوری اسلامی، بر اسیران در بنده
چه میگذرد.

"بند ۲۸۰"

یک نماد قزایک از سرنوشت انقلاب

"بند ۲۸۰" همچون این و قزل قلعه،
یک نماد تراژیک سرنوشت انقلاب بهمن است.
"بند ۲۸۰" نامی است که جمهوری اسلامی،
بر روی زندان "کمیته مشترک ضد خرابکاری"
زمان شاه مدفون نهاده است. این مرکز،
در قیام ۲۲ بهمن، به تصرف مردم درآمد.
فتح آن، عظمت، زیبایی و خلاوت فتم "دژ
باستیل" را داشت در جریان انقلاب کبیر
فرانسه. مردم ایران میخواستند این مخوفترین
شکنجهگاه ساواک، که بنای آنرا رضاخان بی ریخته
بود، با خاک یکسان شود و یا موزهای گردد تا
خندان در دشمنان را گواهی باشد و عزم رنجکشان
را ۱۰ اما اینک گویی روح "حسینی" "تهرانسی"
"رسولی" "حسین زاده" و "غدی" در گالیدهای
جدیدی حلول کرده و زندان کمیته مشترک، از
فاتحین خویش، انتقام بگیرد! کشتار گاه کمیته،
همچنان به کار خویش ادامه میدهد، حتی
پروقتی از گذشته و مخوفتر از پیش. و این

نرسد. هز زندانی، هر آن منتظر است که مجدداً به سرافش بیایند و برای "هدایت"، راهی اتاق تشییش سازند. گاهی پاسی از نیمه شب گذشته، جلادان در سلول را بازمی کنند، چشم زندانی را می بندند و او را از سلول، بیرون می کشند. زندانی در آن حال، نمی داند چه بر سرش خواهد آمد، آیا او را برای بازجویی مجدد می برند؟ آیای خواهند "تعزیر"ش، کنند؟

آیای خواهند در برابر جوخه آتش، قرارش دهند؟

در زندانهای جمهوری اسلامی، ضایعات و بیماریهای مختلف نیز که برخی پیامد شکنجه اند و برخی ناشی از سوءتغذیه، همدمست شکنجه گراند. پیکرها، همه نحیف و لاغرند، رنگ چهره هازرد است، دست همه می لرزد، شکستگی فک، سر، دنده ها و مهره کمریک چیز عادی است، زخم معده بسیاری از زندانیان را زخمی دهد، عده ای از نوعی "سل خفیف" زخمی می کشند، بیماریهای داخلی، گریبانگیر همه است. به همه این امراض، دلهره و تنشهای روانی نیز افزوده می شود.

آن دسته از زندانیانی که در زمان شاه نیز زندین بوده اند، می گویند: یک روز زندان در جمهوری اسلامی برابر است با ۱۰ سال زندان در زمان رژیم ساقط شده شاه.

بند ۲۸۰ بعد از یورش به حزب توده ایران

در اوایل بهمن ماه ۶۱، جنب و جوش خاصی در "بند ۲۸۰" به چشم می خورد. یک شب پاسداری به نام "زنده دل" که فردی است عصبی و از نظر روانی ناپهنجار، به زندانیان با فریاد "بشارت" داد که "تا چند روز دیگر، خدمت توده ایها و اکثریتی هائیکه دست نخورده مانده اند، خواهیم رسید!" در همان روزها بود که تاحد ممکن، بند را خالی کردند تا

☆ بعد از عملیات "یا علی ادرکنی"، که

باهد ف قلع و قمع حزب طرح ریزی شده بود و در روز هفتم اردیبهشت ماه آغاز گردید، دیگر زندان پراز توده ای شد. شایع بود که "بند ۲۸۰" مبارز توده ای را در خود جای داده است.

پذیرای "اسیران" دیگری شونند. چشم بندهای تازه ای دوختند، "اتاقهای تشییش" جدیدی آماده کردند، آلات شکنجه، بیشتری فراهم ساختند و بر میزان خشونتشان افزودند. بازجو ها "علی ثابت"، "میثم" و "عباس حامد" (که در اوین نیز کار می کنند) مرتب بالا و پایین می رفتند و به زندانیان می گفتند: "دیگروضع با سابق فرق کرده است!" آنها با دشمن گرد و می شکستند که از حالا به بعد، توده ایها و فدایی های بیشتری را به زیر تازیانه، خواهند کشید.

مرده ریگ ساواک است و بخشی دیگر، که دارای "حجاب اسلامی" است، ابداع خود دایبسن جلادان است. واژه "تعزیر" راهمگسان شنیده اند. "تعزیر" نام "شرعی" شکنجه است، خاصه شکنجه با شلاق. "تعزیر تصاعدی" یعنی دفعه دیگر و برابر، دفعه بعد سه برابر...! حداین "تعزیر"، با مرگ زندانی، روان پریشی

☆ در اوایل بهمن ماه ۶۱، جنب و

جوش خاصی در "بند ۲۸۰" به چشم می خورد. یک شب پاسداری به نام "زنده دل" که فردی است عصبی و از نظر روانی ناپهنجار، به زندانیان با فریاد "بشارت" داد که "تا چند روز دیگر، خدمت توده ایها و اکثریتی هائیکه دست نخورده مانده اند خواهیم رسید!"

زندان و یا خرد شدن زندانی، معین می شود. در زندانهای جمهوری اسلامی، حاکم شرع، قادر مطلق است. او ست که حکم "تعزیر" را می نویسد و در مواردی این اختیار را به بازجو "تفویض" می کند. کسی که در "بند ۲۸۰" حکم "تعزیر" را می دهد، دارای نام مستعار "حاج آقامین" است. "حاج آقا" بازاری است از زندان لاجوردی (دادستان مرکز، مشهور به "اسدالله قصاب") است، و به اسم این میرغضب، قسمی خورد، گاهی اوقات معاون او "سجاد"، حکم "تعزیر" را می نویسد. بازجو، بعد از این حکم "تعزیر" را از "حاج آقامین" و یا "سجاد" گرفت، آنرا به زندانی نشان می دهد، تا در او رعب و وحشت ایجاد شود و روحیه اش، افت کند.

شکنجه شدن، تنهادر جریان بازجویی نیست. جلادان پیوسته در جستجوی بهانه ای هستند تا خوی ددمنشانه خود را ارضا کنند. مثلاً اگر در دستشویی، شیر آب را "بیش از حد" باز بگذاری، ممکن است، یکی از دوخیمان بانگ برآورده که "اسراف در اسلام، حرام است!" توبه جرم این عمل حرام، باید تعزیرشوی! آنگاه، بلافاصله، حکم آماده می شود و تو را بهی "اتاق تشییش" می شوی.

گاهی بازجو، زندانی را به بحث سیاسی وایدولوژیک مجبور می کند و از خلل بحث، بهانه هایی، به دست می آورد تا فرد را، به "اتاق تشییش" روانه بیازد. گاه، قلم و کاغذ می آورند و به زندانی می دهند، تا بهی خانواد خود، نامه بنویسد. آنگاه، مطالب این نامه را، بهانه ای می کنند برای "تعزیر" بیشتر. بعد از این شکنجه، دوباره به او، قلم و کاغذ می دهند، تا نامه دیگری بنویسد و یا این که تلفن می آورند، تا با خانواد اش، صحبت کند و بگوید سالم است و هیچ ملالی ندارد.

در "بند ۲۸۰"، یک آن نیست که صدای ناله و فریاد، از "اتاقهای تشییش"، به گوش

یک بار که یکی از مبارزین توده ای، را به وسیله "دستبند قپانی" شکنجه میدادند، آنقدر زمان این شکنجه را طولانی کردند که او فریاد زد: "دستهایم را باز کنید تا به هر دروغی که بخواهید، اعتراف کنم!" دوخیمان رژیم، که از شنیدن این حرف، به خشم آمده بودند، آنقدر بر شدت شکنجه افزودند، تا او از هوش رفت. او را دوباره به هوش آوردند و باز کار را از سر گرفتند. تا اعتراف کند که "جاسوس بوده است" و اکنون میخواهد "مسلمان شود!"

در زندان جمهوری اسلامی، بسیار کسان هستند که حتی بعد از یک سال، که شکنجه از زمان بازجوییشان میگذرد، هنوز آثار این شکنجه، به وضوح بر روی میج دستهایشان به چشم میخورد. یادگاری از شکست انقلاب، بر دستهایی که نهال انقلاب را در خاک میهنمان کاشتند!

بعد از این شکنجه های "مستقیم"، بسیار پیش می آید که زندانی را از یک هفته تا چند ماه، با چشمهای بسته در گوشه ای از راهرو، بیندازند تا صدای ناله و فریاد مبارزین دیگر را از "اتاقهای تشییش"، بشنود و زجر بیشتری ببیند. قبل از دستگیری مبارزین توده ای،

☆ در زندانهای جمهوری اسلامی،

حاکم شرع، قادر مطلق است. او ست که حکم "تعزیر" را می نویسد و در مواردی این اختیار را به بازجو، تفویض می کند.

زندانان اجازه داشتند در کنار یکدیگر، در راهرو به دیوار تکیه کنند، اما بعد از یورش به حزب و تشدید جو فشار در زندانها، این کار ممنوع شد. زندانیان مجبورند روبه دیوار و یا پشت به یکدیگر بایستند و گهگاه متحمل ضرب لگد این یا آن شکنجه گر شوند که به یکباره به سمت آنها، یورش می آورند.

در داخل سلول نیز، فشار روانی ادامه دارد. رژیم، تا جایی که میتواند، از اختلافات سیاسی موجود در میان زندانیان گروههای مختلف بهره برداری میکند و یا اینکه "توابعین"، این انسانهای مسخ شده ای را که قربانیان سبعت و درنده خویی شکنجه گراند، آلت دست قرار میدهد. بازجوها و مسئولین زندان، تنها یک هدف دارند که خود آنها، از همان ابتدای دستگیری، اعلام میکنند: "تا تسلیم نشوی، تا اعتراف به گناه نکنی، تا مسلمان نشوی، تا یارانت را نلوندی و اسرار سازمانت را برملا نسازی، از تودست بردار نیستیم!" هر بار که زندانی را شکنجه میکنند، به او میگویند: "دفعه بعد، سخت تر خواهد بود!" در دور بعد، چنین و چنان خواهیم کرد!

شکنجه گران جمهوری اسلامی، فرهنگ خاص خود را دارند. بخشی از این فرهنگ،

یکسو می افکندند و به شکنجه گران می گفتند: " ما به شما نشان خواهیم داد که حزبی بودن یعنی چه! "

بازجو هاگاه با زندانیان توده ای از در بحث ارد می شدند و چون آنان حرفهایی در رابطه با چرخش به راست حاکمیت و برسترن نارضایتی وسیع در میان مردم، می شنیدند، می گفتند: " ما از نارضایتی مردم نمی ترسیم. این گروه ها و سازمانها هستند که ما را تهدید می کنند."

بعد از یورش به حزب، " بند ۲۸۰ " دیگر بوی خون و جنون می داد. يك اتاق تعزیر به چهار اتاق، تبدیل شده بود، از گوشه و کنار بند، صدای ناله و فریاد می آمد. شکنجه حد و مرزی - نمی شناخت، رهبران حزب را، يك ماه تمام، بی وقفه شکنجه دادند. آنها دیگر، قادر به راه رفتن نبودند. اکثر آروزی زمین، می خریدند. شکنجه گران، آنها را با برانکار به دستشویی می بردند و در همان حال، وادارشان می کردند که کف تولت را تمیز کنند. يك ساواکی سابق و کمیته جی فعلی که " یزدان پناه " نام دارد و قبلا شغلش عکاسی در کنار ریابوده است، برخی از توده ایها را مجبور می کرد، بی وقفه برخیزند و بنشینند. او که آشکارا، دچار یک بیماری هیستریک است، آنقدر به این کار ادامه می داد تا زندانیان، بیپوش نقش بر زمین شوند. او شلاقی بدست می گرفت، در راهرو قدم می زد و با کوچکترین بهانه ای، زندانیان را به تازیانه می بست.

پخشرا و لین سری از مصاحبه های تلو یزیونی، نتیجه " لازم کافی " را بنخشیید. از همین رو بازیر شدت شکنجه افزوده شد. برخی از زندانیان حزبی، از فرط شکنجه و ضربات وارده بر سر دچار جنون شدند. دخیمان زندان، گمان می کردند که آنها، نقش بازی می کنند و لذا ابر میزان فشار روی آنان، می افزودند. بسیاری از رهبران و مسئولان حزب، کوشیدند انتحار کنند. اما نگهبانها به شدت مراقب این صالیه بودند. آنها بی راکه فرصت این کار را می یافتند، فوراً به بیمارستان می رساندند و بعد به جرم این اقدامشان، راهی اتاقهای شکنجه می کردند. هنوز معلوم نیست چه تعداد از زندانیان، موفق به خودکشی شده اند. برخی از رفقا، صورت خود را زخمی و خراب می کردند، تا از میزان فشار بر روی آنان، برای شرکت در مصاحبه تلو یزیونی کاسته شود. از جمله یکی از رهبران حزب، سه پاربخشی از پوست صورت خود را کند.

نظامیان حزبی از روحیه بالایی برخوردار بودند. بعد از تشکیل بیدادگاههای محاکمه این رفقا نیز، از میزان فشار بر روی آنان، کاسته نشد. از همه این رفقا، قبل از ورود به جلسات محاکمه زهر چشم گرفته میشد. هر کس که از خط مقرر شده در بیدادگاه تحطی کرد و حاضر نشد در سناریویی که از پیش تنظیم شده بود، نقش دلخواه آنان را بازی کند، بلافاصله بعد از ختم

رفقای خود را، در نیروی دریایی، معرفی کند. رفیق شهید، "سرهنگ آذرفر" را ۲۰ روز تمام شکنجه دادند. در فاصله هردو " تعزیر " او را با چشم بسته، در گوشه ای از راه سرو می انداختند و او که از تبار " روز به ها و " سیامک ها " بود، حتی در حالی که از شدت شکنجه، با بیپوشی فاصله ای نداشت، با صدایی آمیخته به ناله می گفت: " من فرزند زحمتکشانم و تا دم آخر با مردم می مانم! " در نیمه شب ۳۱ اردیبهشت ماه، رفیق شهید حسین پور تبریزی، از فرط شکنجه، خون بالا آورد. او را به بیمارستان فرستادند، ولی تلاششان برای زنده نگه داشتن او، بی ثمر ماند. این رفیق با قلبی مالا مال از عشق به انقلاب و زحمتکشان، چشم از جهان فرو بست و لکه ننگ دیگری، بر دامن رژیم نهاد. یکی از مسئولین حزبی که يك ماه تمام، بطور مرتب زیر فشار بود، آن هنگام که تحت شکنجه از پا درآمد، فریاد کشید و گفت: " از جان من چه می خواهید؟ " دخیمان رژیم، از او خواستند، کتابی در رد مارکسیسم بنویسد و بگوید همه عمر اشتباه می کرده است!

☆ نظامیان حزبی از روحیه بالایی

برخوردار بودند. بعد از تشکیل بیدادگاههای محاکمه این رفقا نیز، از میزان فشار بر روی آنان کاسته نشد. از همه این رفقا، قبل از ورود به جلسات محاکمه زهر چشم گرفته می شد. هر کس که از خط مقرر شده در بیدادگاه تحطی کرد و حاضر نشد در سناریویی که از پیش تنظیم شده بود، نقش دلخواه آنان را بازی کند، بلافاصله بعد از ختم جلسه محاکمه، روانه " اتاقهای تمشیت " گردید.

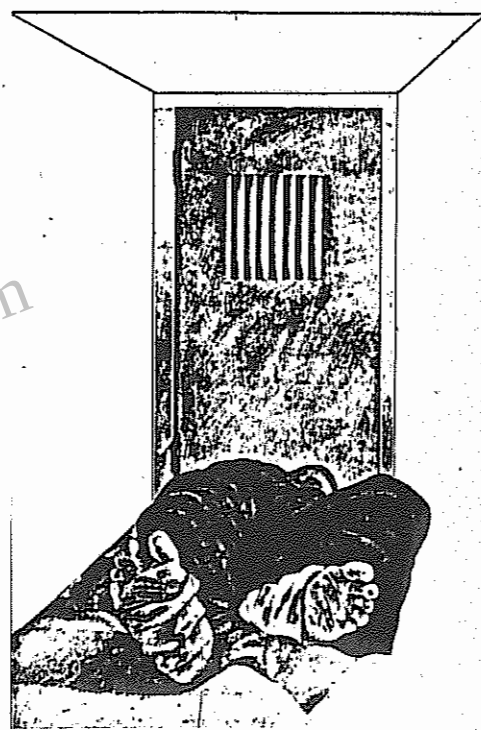
یکی از " جرایم " نظامیان توده ای، کشف کودتای " نوژه " بود. و هر کسی که به نوعی در کشف این کودتا، دخالت داشت - چه حزبی و چه غیر حزبی - دستگیر کرده و تحت عنوان عضویت در سازمان مخفی نظامی، به صلابه کشیدند.

اتهام خیلی ها، نفوذ در ادارات دولتی بود. کافی بود فرد، قبل از دستگیری، شاغل بوده باشد. همین امر کافی بود تا او را به جرم " نفوذی بودن "، تا حد مرگ، شکنجه دهند.

در برابر اعضای دستگیر شده حزب در هنگام بازجویی، معمولاً ۲۳ سؤال می گذاشتند که همگی حول موضوعاتی مثل نفوذ در ارگانها و ادارات، جاسوسی، سازمان مخفی و کروکی تشکیلاتی دور می زد. بازجو ها مانند امتناهای تنظیم کرده بودند که زندانیان می خواستند زیر آژامضا کنند. آن دسته از رفقای که از این کار، امتناع می ورزیدند، به شدت تحت شکنجه قرار می گرفتند. رفقای بودند که این کاغذ را به

" بهترین " نگهبانان نیز، از او ایمل بهمن ماه به بعد، فشارشان عوض شد. چنان جوی در زندان حاکم شده که هیچ خبری نتواند به بیرون درز کند، از روز ۲۴ بهمن به بعد، می توان گفت که در " بند ۲۸۰ "، بازجویی اعضا و هواداران سازمانهای دیگر تا مدت ها، متوقف شد.

بعد از عملیات " یا علی ادرکنی " که با هدف قلم و قمع حزب طرح ریزی شده بود، و در روز هفتم اردیبهشت ماه آغاز گردید، دیگر زندان پراز توده ای شد. شاید بود که " بند ۲۸۰ " مبارز توده ای را در خود، جای داده است. در سلولهای جمعی، جای سوزن انداختن نبود.



از روز ۲۴ اردیبهشت ماه به بعد، دیگر برای زندانیان روزنامه نیاموردند، حتی صدای رادیو را نیز که قبلاً برنامه های مذهبی آنها را، بلندگو پخش می کردند، قطع ساختند و در مجموع جلوی هرگونه ارتباطی بین داخل و خارج زندان را گرفتند. مقدار غذا به نصف، تقلیل پیدا کرد. اگر قبل از یورش به حزب، گهگاه کسی را از میان نیروهای سلطنت طلب، دستگیر می کردند، بعد از این حمله، دیگر از این کار، خودداری ورزیدند. آن چند تنی را نیز که از این نیروها، در زندان " کمیته مشترک " بود، با قید ضمانت آزاد ساختند.

شکنجه اعضای حزب، به حدی خشنونت بار بود که اعضای گروه های دیگر، متعجب شده بودند. در روزهای اول بیشترین فشار، بر روی اعضای رهبری و اعضای نظامی حزب بود. يك زندانی توده ای که چنزو پرسنل نیروی دریایی بود، در عرض ۸ روز با " تعزیر " شد. از او می خواستند که دیگر

آسوده چگونه می توانم ماند؟

آه ...

ای یارانی که به پشتگرمی تان سرافراشتیم
چه همد که از بنگو نه خم شدید ؟
ای دلاورانی که ستاره اعتماد ما از پیشانی شما زاد شد
اینک سلاح نهاد ویرهنه چهره شیمی برد هان دارید ؟
من این پنجه خوش را در رکدامین صخره فرو کنم ؟
من این یرسش هو لناک را
برکدامین گذرگاه بیا و بیزم ؟
من اینهمه پرده را چگونه بردم ؟
تا چهره دژخیمان شمارا عیان کنم ؟

بیایخاطر بسیاریم

بیایخاطر بسیاریم نام آموزندگان روشنایی را
که خود داینک به ظلمت اندرند .
و نام ستاینندگان عشق را و زندگی را
که خود داینک خواب مرگ را
در صدق ابدی می پیمایند .

آسوده چگونه می توانم ماند ؟
به وقتی که عشق را کفنی غفگانه پوشید هاند ؟
نه از ماد رزاد م تا تنهاد رستشپانه یک زن فرو خزم
یا بر سفره مائده های حقیر

چو نان گرمی بی سرنوشت بلو لم

برای تو زادم

ای مزرعه شاداب

ای روشنایی همگانی

برای تو زادم ای اسب بالدار فرزانده ازل آتش
در سرزمینی که شایستگان زندگی
کشتگانند

و سزاواران مرگ

در تحفن خویش

فرو ماندگان !

مانی

تهران - ۶۳/۱/۲۲

آسوده چگونه می توانم ماند ؟

چه بسیار شایستگان زندگی که می میرند
چه انبوه سزاواران مرگ ، که می زنند
ای تلخکامی ژرف
تاریک

شگرف !

ای خون مانیده عاشقان برسنگ سفید ماه !
ای رنگ پاشیده ی ماه بر پیکر کشتگان !
چه بسیارند

چه بسیارند شکارچیان آدمی
چه فزونند دستهای خاشاک فرو شده در خون ما .

درو می کنند ، می رو بیم

بر حد رومی دارند ، می جو بیم .

تقدیر من چنین بود

تقدیر من به تمامی

چنگ در گریبان زشتی فرو کردن بود .

آنگاه که بهار با ابریشم باران فرو می ریخت
و دو ستاره زلال بر سینه پری دریایی می رو بیدند .
تقدیر من چنین بود

تاریک ها و الماسها را تفکیک کنم .

عاشقان خاموشند

عاشقان در قتلگاه منتظر نمی بینند

و ماه سوگو ارا زنگ رگاه سپیده دمان

خو نالوده می گذرد .

آتشی سهمناک در روح زمان ما شعله می کشد

و اسبابی بالدار می زاید

باسوارانی کز زلفای مرگ خویش باز خاسته اند

و از زخمهای پیکرشان

چکه چکه موسیقی فرو می ریزد

تلخکامی من از زمانه نبود

که دوران من مزرعینی شاداب است برخاسته

از پس فصول سرد .

اندوه من همه از تقدیر منست

که می بایدش به اراده شمشیر یا زکوه کنم ،

تقدیری که خدا نه ، بل خدا یان زمینم فراهم آوردند .

گزارشهای کاملتری در این مورد را ، ارائه

دهیم . اما از پیش ، به این نکته اذعان داریم

که حتی جامع ترین گزارشها ، از بیان فجایعی

که رژیم جمهوری اسلامی ، در حق بهترین

پاکترین ، فداکارترین و آگاهترین فرزندان

و پیشگامان خلق ، مرتکب میشود ، ناتوان است .

تاریخ ، با تمام عظمت و صلابت خرد کننده خود ،

باید به قضاوت بنشیند ، سزای ددمنشان ضد بشر

را در کف دستشان بگذارد و حماسه استواری

فرزندان خلق را ، ارج نهد . تاریخ ، با چشم

انداز روشن خویش ، هم اکنون میطلبد که ما

جلسه محاکمه ، روانه " اتاقهای تمشیت " گردید .
برخی از رفقا ، به جرم این یا آن عبارتی که
در حین محاکمه ، ادا میکردند ، مورد شکنجه قرار
میگرفتند . شکنجهگران به آنان میگفتند : " شما
میخواستید به این وسیله به خبرنگاران خسب
بد دهید ! " از جمله یکی از آنان که در برابر
خبرنگاران ، به پرتوی گفته بود : " تو یا حالا
دروغ میگویی و یا از اول دروغ میگفتی " با
۸۰ ضربه شلاق تعزیر شد .

نظامیان حزبی را که ماهها شب و روز چشمپاشان
بسته بود قبل از اینکه به جلسه ای که در آن
خبرنگاران خارجی نیز حضور داشتند ببرند ، ابتدا
به تعزیرگاه بردند ، آنان را به شدت " تعزیر " کرد
و زیر فشار قرار دادند . و تنها در مدخل بیدادگاه
چشم آنان را باز کردند .

تداوم مقاومت و تداوم راه .

علی رغم همه شکنجههای جسمی و روانی ای
که بر مبارزین در بند ، اعمال میشود ، مقاومت
آنان چه در اتاقهای شکنجه ، و چه در سلولهای
موحش زندان و در زیر چشم دژخیمان ، همچنان
ادامه دارد . نفس وجود شکنجه و تشدید آن ،
خود بارزترین گواهی این امر است . انقلابیون
شکنجه دیده ، وقتی که پیکر در هم شکسته شان
به درون سلول افکنده میشود ، در حالی که نای
سخن گفتن ندارند ، با کلمات بریده بریده
اما کوبنده شان ، و نگاههای تیز و برنده شان ،
یاران خود را ، به مقاومت ، فرا میخوانند .
شعارهایی که با چنگ و ناخن ، بر درو دیوار
نوشته میشود ، چونان حروف زبینی ، در سیاهی
زندان می درخشند . بعد از دستگیری رفقای
توده های بسیار دیده میشد که در دستشمی
" بند ۲۸۰ " ، با خمیر دندان و یا هر وسیله
ممکن دیگر ، شعار درود بر حزب ، و کلمات
آتشینی مبنی بر حقانیت حزب ، نوشته شده باشد
عین یکی از شعارها چنین بود : " راه حزب
توده ایران درست است و ما به راهان ایمان
داریم ! " شهادت رفقا در زیر شکنجهها و در برابر
جوخه های آتش دژخیمان نیز ، بر عزم مبارزین ،
برای مقاومت بیشتر میافزاید . آنان با شنیدن
خبر شهادت یاران شان ، این پیام آنانرا به
کوش جان ، می نیوشند که :

" گرچه ما میگذریم

راه ما میماند ،

غم نیست !

گزارش فوق ، تنها بیانگر گوشه ای از جنایات رژیم ،
در زندانهای سیاسی ایران بود . این نوشته ،
بر اساس خبرهای محدودی که تنها از یکی از
شکنجهگاههای رژیم ، به بیرون درز کرده ،
تنظیم شده است . ما امید داریم بتوانیم در آینده

رستاد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق ، علیه شکنجه و اعدام

در حاشیه

کشف نوع جدیدی از میکروب
در ایران

این میکروب بهاسیاسی اند، شعارصلی می دهند و در جبهه هاشیوع یافته اند.

مردم هر روز که می گذرد در برابر صرا رژیسم به تداوم سیاستهای جنگ افروزان خود، مقاومت بیشتری نشان می دهند. یکی از کانونهای مهم مقاومت در برابر سیاست گسترش جنگ، درخسود جبهه هاست. اکنون بتدریج برای آن دسته از نیروهای مسلح نیز که بیشتر زیر او تبلیغات جنگ طلبانه رژیم قرار می گیرند، شعارصلح بصورت یک شعارملوس و ضروری درمی آید. همین امر سران رژیم را به وحشت افکنده است. بعنوان نمونه رحمانی مسئول بسیج، در شب ۲۳ خرداد به ملاقات خامنه ای شتافته و از فحوای خبر رادیو تهران چنین استنباط می شود که در رابطه با عدم استقبال از بسیج و گریختن بسیجی ها از جبهه، از او چاره جویی کرده است. در این دیدار خامنه ای باز نیروی ضرورت گسیل بیشتر نیرو به جبهه ها، افزایش تبلیغات جنگ طلبانه با استفاده از احساسات مذهبی و "برخورد قاطعانه با میکروبهای سیاسی در فضای معنوی جبهه ها" تاکید نموده است. (رادیو ج ۱۰ روز ۲۳ خرداد) منا و رخامنه ای از "میکروبهای سیاسی" کاملاً مشخص است. این "میکربها" که برای نخستین بار کشف آنها، به این صورت اعلام می گردد، "میکروبهای سیاسی" هستند. "سیاسی" و صلح جو، که اگر چه خامنه ای به درستی به وجود شان پی برده است، در تروجیز دارویی که با آنها مقابله کند، ("افزایش آموزشهای عقیدتی") به خطا رفته است. این "میکربها" دیگر حساسیتشان نسبت به این دارو را از دست داده اند.

"ضعف روحیه" آقای رفسنجانی

زعای قوم، همواره ازیرملاشدن رازهای پشت پرده نگرانند. رفسنجانی در نطق اختتامیه دوره اول مجلس، در این مورد، چنین گفته است: "ما برای این دو سه ماه آخر مجلس کمی نگران بودیم که فکری کردیم انتخابات و این که بعضی از نماینده ها، احساس مظلومیت بکنند و این تربیون آزاد و مستقیم دارند، ممکن است باعث بشود تشنجاتی و اظهاراتی از این تربیون پیش بیاید که مصلحت نباشد، ولی من الان اعتراف می کنم که این نگرانی بخاطر ضعف روحیه خود بنده بوده." (اطلاعات ۷ خرداد)

آقای رفسنجانی در همین جلسه، بخاطر

داشتن صفاتی ستوده شده که یکی از آنها خود را بودن و روحیه بالا داشتن است. بنابراین باید حدس زد که حدت و شدت اختلافات، گند کار بها پشت پرده، باند باز بها و تقلبهای انتخاباتی تاجیه حد بوده که او نیز از ترس بر ملا شدن آنها در تربیونهای مجلس، در چارضعف روحیه گردیده است.

اشتباه محاسبه

حجت الاسلام حسینعلی نیری حاکم شرع زندان اوین در گفتگویی با کیهان گفت: ۵۰۰۰ در مورد مسئله جا، برای اینکه قبل از انقلاب و در اوان پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی کردند اصلاً ما اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم. و همانطوری که همه مردم آن موقع دست بدست هم دادند و پشت حضرت امام روند انقلاب را در پیش گرفتند و جلو بردند یک روز متفرق شدند و مسئله به صورتی که فعلاً است در بیاید. (تاکید از ما ست. کیهان ۱۲ خرداد ۶۳) گویا برای رفع همین اشتباه محاسبه است که سیاست اعدام انقلابیون و بنای زندانهای جدید در پیش گرفته شده است!

"خان فرار کرد، پدر خان از راه رسید...!"

در اطلاعات هفتم خرداد ماه، نامه ای از یک روستایی زخمکش میهنان به چاپ رسیده که عنوان فوق در بالای آن نوشته شده است. آنچه که بر این روستایی گذشته، هشتی است. نمونه خروار "مراحم" جمهوری اسلامی نسبت به "مستضعفین" عین نامه چنین است:

"حدود ۳۰ سال پیش من و پسرم قطعه زمینی را در "شیرگاه" مازندران آباد کردیم، ولی هنوز بهره ای پر نگرفته بودیم که خانی از راه رسید و آن را از چنگمان بد راورد و ما پس از مدت ها سرگردانی و پرس و جو، بر آن شدیم نامه بنویسیم. از سال ۱۳۴۸ به بعد شکایتها کردیم و نامه ها نوشتیم. ولی هریار بسی جواب ماند و در این میان خان همچنان با خیال آسوده دسترنج ما را غصب کرد و به یغما برد. تا اینکه انقلاب پیروز شد و خان سلطنت طلب هم فراری گردید. خوشحال شدیم که سایه ننگینش از سرمان کم شده، ولی هنوز نفسی نکشیده بودیم که سروکله پدر خان پیدا شد و ادعا کرد که این زمین مال اوست و باید خود آبادش کند، در حالی که در اطراف زمین ما، زمینهای مخروبه زیادست و می تواند در آنها کشت و زرع نماید. باز هم نامه نوشتیم و در رد و شکایت کردیم، اما جوابی نشنیدیم. و حال پس از مدت ها انتظار برای اجرای عدالت، امید داریم در جمهوری اسلامی حق به حق دار برسند."

تأزیه سزای انتقاد نمایندگان

این اطلاعیه از سوی شورای عالی قضایی در رابطه با پیام رهبری جمهوری اسلامی بمناسبت افتتاح مجلس، انتشار یافته است: "جهت امتثال امر مبارک حضرت

امام خمینی در ردیف پنج از بند ۴ این پیام که بخشی از آن مربوط به قوه قضاییه است به منظور رسیدگی سریع و بدون توت، و شعبه در دادسرای عمومی تهران تعیین گردید تا در صورت مراجعه افراد، بدون تعویق و تاخیر به درخواست و شکایات مراجعین رسیدگی شود، لازم به یادآوری است که در پیام تاریخی امام در این رابطه آمده است: "اگر کسی بچه از دولتی ها یا دیگران تهمتی زده شد در نطق های قبل از دستور و چه در مذاکرات، حق شکایت به قوه قضاییه را دارد تا رسیدگی شود و مجرم تعقیب و تعزیر شود و اگر يك وزارتخانه یا بنگاه تهمت زده شد حق دفاع با وزیر و رئیس بنگاه است و حق شکایت دارند و قوه قضاییه تعقیب خواهد کرد و بالجمله با هر ترتیب ممکن باید از این اعمال غیر اسلامی جلوگیری شود." (صبح آزادگان ۹ خرداد ۶۳).

خلاصه جریان این است که گفته شده هریک از نمایندگان که پایش را از گلپیش دراز ترک کرد و خواست مشت یکی از دست اندرکاران راپشت تهیون مجلس باز کند، باید تعزیر شود. با اعلام آفادگی سریع شورای عالی قضایی از این پس لایه باید انتظار داشت که يك تخت شلاق در کنار جایگاه رئیس مجلس گذاشته شود تا از نمایندگان "تهمت زننده" زهر چشم گرفته شود!

حکومت دست و دل باز!

آگهی فوق به زبان انگلیسی در روزنامه کیهان ۱۴ خرداد ۶۳ به چاپ رسیده است:

A FOREIGNER NEEDS A FIRST-CLASS FURNISHED HOUSE WITH AT LEAST 3 BEDROOMS, LARGE GARDEN, SWIMMING POOL AND PREFERABLY TENNIS COURT IN AREA SHEMIRANAT. ZAFERANIEH FARMANIEH PLEASE CONTACT WORKING DAYS FROM 9 TO 13 TEI 820621

آگهی فوق به زبان انگلیسی در روزنامه کیهان ۱۴ خرداد ۶۳ به چاپ رسیده است: يك خارجی بيك خانه مسكونی مبله درجه يك با حداقل سه اتاق خواب، باغ بزرگ، استخر، شناور، زمین تنیس در محدوده شمیرانات، زعفرانیه و فرمانیه نیاز دارد. لطفاً در روزهای غیر تعطیل از ساعت ۹ تا ۱۳ به تلفن ۸۲۰۶۲۱ تماس حاصل نمایند."

در شرایطی که اجاره يك اتاق در يك محله متوسط تهران مبلغی حدود ۲۵۰۰ تومان را میطلبد، این سؤال پیش می آید که این "خارجی" در ایران چه میکند، از کجا حقوق میگیرد که وی با احتساب مخارج عیاشی و زندگی لوکس و "درجه يك" و پس انداز مبالغ کلانی در کشور خودش میتواند اجاره چنین کاخی را پرداخت نماید که دست کم ماهی ۵۰ هزار تومان اجاره بهای آن است؟

این خود نمونه کوچکی است از دست و دل بازهای رژیم جمهوری اسلامی برای بر سر خان یغما نشان دادن امپریالیستها در ایران.

اعتصاب غذای ۵ روزه در ایتالیا علیه کشتار و اختناق در ایران



جان کارلا کوردیانی - نماینده پارلمان ایتالیا (چپ مستقل)
خانم لورا کارینو - نماینده سازمان ملل متحد در ایتالیا (بخش پناهندگی)
آلفرد و رولا - نماینده کنفد راسیون سراسری کارگران ایتالیا

سند رومرلی - مسئول فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا - رم
فرانکو فونگی - مسئول روابط بین‌المللی فدراسیون حزب ایتالیا - رم
مارکو فواگالی - دبیر کشوری سازمان جوانان کمونیست ایتالیا
آلبرتو بنتزونی - مسئول جامعه دفاع از حقوق و آزادی خلقها

لیتا اگنی - مشاور شهردار رم
گروهی از مشاورین شهرداری رم
مسئول کمیته دوستی ایتالیا - گواتمالا
مسئول انجمن دمکراتیک زنان ایتالیایی و برزیلی

مسئول کشوری جمعیت ضد شکنجه در ایتالیا
نماینده سازمان حزب کمونیست یونان در ایتالیا
جمعی از شاعران، نقاشان، مجسمه‌سازان و روزنامه‌نگاران مترقی ایتالیایی و خارجی مقیم ایتالیا

بیش از ۸۵ حزب و سازمان مترقی سیاسی و صنفی با اعزام نماینده به محل اعتصاب و ارسال تلگرام حمایت خود را از اعتصاب غذای هم‌میهنان مبارز اعلام داشتند. اسامی تعدادی از آنها بشرح زیر است:

حزب کمونیست ایتالیا (فدراسیونهای شهرهای مهم ایتالیا)
کنفد راسیون عموی کارگران ایتالیا (مهمترین کنفد راسیون کارگری ایتالیا با بیش از ۵ میلیون عضو)

اتحادیه کارگران ایتالیا - استان تورینو
کنفد راسیون ایتالیایی سندیکاهای کارگری - استان تورینو

فدراسیون کارگران فلزکار - استان پیه مونته
فدراسیون ایتالیایی کارگران ساختمان و مصالح ساختمانی

انجمن ملی پارتیزانهای ایتالیا (در شهرهای مهم ایتالیا)

دفتر هماهنگی زنان کنفد راسیون سراسری کارگران ایتالیا (استان توسکانا) و ...

اعتصاب غذا که اهداف آن در آغاز اعتصاب طی مصاحبه مطبوعاتی برای خبرنگاران مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی ایتالیا مطرح گردید، از طریق بولتن روزانه اعتصاب غذا، بسیار تیراژ بیش از ۱۶ هزار نسخه در شهر رم منتشر گردید.



جلسه بحث و گفتگو در شب آخر اعتصاب غذا

در پنجمین روز اعتصاب غذا، ۴ نفر از اعتصاب‌کنندگان به بیمارستان انتقال یافتند ولی سایرین همچنان قصد ادامه اعتصاب به مدت نامحدود را داشتند. اما هیئت‌تستی از شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی ایتالیا و از جمله شهردار شهر رم، نماینده سازمان ملل متحد در ایتالیا (بخش پناهندگی)، نماینده کنفد راسیون سراسری کارگران ایتالیا، رئیس گروه پارلمانی حزب کمونیست در سنای ایتالیا مسئولین جامعه دفاع از حقوق و آزادی خلقها

شورای شهرستان و رئیس بخش بهداشت شهرداری رم، ابراز همبستگی و حمایت از خواستهای شرکت‌کنندگان در این اقدام اعتراضی و تعهد کوشش در جهت تحقق خواسته‌های یاد شده از اعتصاب‌کنندگان درخواست کردند که به اعتصاب غذای خود پایان دهند. از جمله شهردار رم متعهد شد که با سفرای ایران عراق ملاقات کرده و اعتراضات و خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان مبنی بر پایان دادن به جنگ و قطع شکنجه و سرکوب انقلابیون را رسماً به آنها ابلاغ کند. بر همین اساس اعتصاب غذای ۵ روزه هم‌میهنان مبارز در روز ۲۷ ماه مه پایان یافت.

اسامی گروهی از شخصیت‌های سیاسی و نمایندگان احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی که با حضور خود در این اعتصاب غذا حمایت خود را از خواسته‌های اعلام شده از سوی شرکت‌کنندگان در این اقدام اعتراضی، ابراز نمودند:

اوگو وتره - شهردار شهر رم
دیدگوندلی - شهردار شهر تورینو
سنتور جارد و کیاروتته - رئیس گروه پارلمانی حزب کمونیست در سنای ایتالیا

به ابتکار کمیته هماهنگی دانشجویان دموکرات ایرانی و همکاری جبهه میهنی عراق و نیروهای مترقی و صلحدوست ایتالیا، برای اعتراض به شکنجه و اعدام، سرکوب و اختناق و جنگ و کشتار در ایران، از تاریخ ۲۲ ماه مه اعتصاب غذای ۵ روزه در شهر رم پایتخت ایتالیا، با موفقیت تمام برگزار شد.

این اعتصاب غذا که در همایون نواز هم‌میهنان ما در آن شرکت داشتند، انعکاس وسیعی در رسانه‌های گروهی ایتالیا و در میان محافل سیاسی این کشور داشت. خواسته‌های هم‌میهنان ما که برای رساندن فریاد اعتراض خود به گوش جهانیان، رنج گرسنگی را برخود هموار کرده بودند بر اساس بیانیتهای که به میزان وسیعی انتشار یافت چنین بود:

۱- شکنجه و اعدام و محاکمات غیرقانونی و فرمایشی میهن دوستان ایران بجزه تودهای فداگران و مجاهدین قطع شود.

۲- به جنگ خانمانسوز ایران و عراق و سرکوب وحشیانه مردم ستمدیده کردستان پایان داده شود.

۳- در ایتالیا: ضمن لغو محدودیت جغرافیایی در پذیرش پناهندگی سیاسی خارجیان، امکانات تأمین پناهندگی سیاسی برای مهاجرین و تبعیدیان ایرانی فراهم گردد.

شرکت فعال نیروهای میهن دوستان و مترقی عراق و حمایت گسترده آنان از این اعتصاب غذا، مردم و محافل ترقیخواه ایتالیا را تحت تأثیر قرار داد. به همراه این اکسیون نمایشگاه عکسی از اثرات جنگ هراتگر ایران و عراق و یک نمایشگاه نقاشی از آثار هنرمندان مترقی ایرانی و عراقی ترتیب یافته بود. نقاشان مترقی ایتالیایی برای حمایت از اعتراضات هم‌میهنان ما علیه اختناق و کشتار در ایران، به ترسیم تابلوهایی در حمایت از صلح پرداختند. همچنین دیگر هنرمندان ایرانی و ایتالیایی در زمینه موسیقی و تئاتر نیز برنامه‌هایی با اهداف صلح‌جویانه و مخالفت با جنگ اجرا نمودند.

در طول مدت اعتصاب غذا، هزاران نفر از مردم صلحدوست و مترقی ایتالیا از اکسیون و برنامه‌های جنبی آن دیدار کرده و دفتر یادبود اعتصاب غذا را به نشانه تأیید اهداف شرکت‌کنندگان در آن و همدردی با مردم رنج‌دیده ایران و عراق و اعتراض به ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق امضاء نمودند.

اخبار و گزارشهای مربوط به این



رویدادهای جهان

دولت هلند از موافقت با استقرار موشکها امتناع ورزید

علیرغم فشار شدید دولت آمریکا که در اجلاس اخیر ناتو به اوج خود رسید، دولت هلند اعلام کرد تصمیم گیری درباره استقرار موشکها در این کشور را تا پایان سال ۱۹۸۵ به تعویق انداخته و تا آن زمان موشکهای "کروز" در هلند مستقر نخواهند شد. این تصمیم دولت هلند با استقبال نیروهای صلح دوست در سراسر جهان رو برو شد.

نه تنها در مورد هلند، بلکه در مورد سایر کشورهای کوچک، اروپای غربی نیز دخالت آمریکا را مومرین کشورهای اعتراض آنها را برانگیخته است. رسانه ها و افکار عمومی دانمارک نسبت به اظهارات ریچارد پلر معاون وزیر "دفاع" آمریکا با خشم عکس العمل نشان دادند. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی در کپنهاگ به دولت دانمارک برای امتناع از پرداخت سهمی از مخارج استقرار موشکهای آمریکایی شدیداً حمله و گفته بود: "دانمارک را باید به زندان اغداخت".

مقایسه دو کنفرانس اقتصادی نمودار بارز برتری سوسیالیسم بر امپریالیسم

هفته گذشته دو کنفرانس بین المللی اقتصادی با شرکت رهبران کشورهای برگزار شد: کنفرانس اقتصادی کشورهای عضو "شورای همیاری اقتصادی" در مسکو و اجلاس رهبران ۷ کشور بزرگ سرمایه داری در لندن. تفاوتهای فاحش رول و روح حاکم بر این دو کنفرانس، نمودار بارز برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری است.

اگر در مسکو مسایل تعمیق همکاری کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی با توجه به افزایش قدرت اقتصادی و علمی-فنی آنها مورد بررسی قرار گرفت، در لندن سران کشورهای امپریالیستی اروپا، ژاپن و کانادا نتوانستند ریکان را وادارند قول مساعدی در مورد سیاست بهره های بالای آمریکا که به اقتصاد رقباي امپریالیست این کشور فشار زیادی وارد می آورد، بدهد.

رهبران کشورهای شورای همیاری اقتصادی گردهم آمدند تا با همکاری و همیاری، اقتصاد کشورهای خود را در جهت افزایش هر چه بیشتر سطح زندگی زحمتکشان که از زمان بنیانگذاری این شورا در آمد واقعی آنها را برابر شده است تسخیر دهند. اما در لندن کوچکترین راه حلی برای بیکاری ۲۰ میلیونی ارائه نشد.

کشورهای سوسیالیستی در اجلاس اخیر خود نیز نحوه افزایش و موثرتر کردن کمکهای خود به کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین را مورد بحث قرار دادند. با مساعدت کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی بیش از ۳۷۰۰ واحد تولیدی در کشورهای رشد یابنده ساخته شده است.

اما در اجلاس لندن، گوش شنوایی برای تقاضاهای مکرر کشورهای در حال رشد در مورد قروض آنها به بانکهای امپریالیستی وجود نداشت و امپریالیستها حاضر نشدند از زورگویی های خود نسبت به کشورهای مقروض، دست بردارند.

ملاقات رهبران شوروی و ویتنام

دوشنبه ۱۱ ژوئن (۲۱ خرداد) رفیق کنستانتین چرننکو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی با رفیق له و وان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام و رفیق فام وانگ نخست وزیر ویتنام در مسکو دیدار و گفتگو کرد. طرفین به ضرورت تحکیم مبانی صلح در قاره آسیا و تبدیل جنوب خاوری آسیا به منطقه ثبات و حسن همجواری اشاره نمودند. اتحاد شوروی با قاطعیت تمام، عملیات خصومت آمیز مقامات رسمی چین علیه ویتنام و همچنین لائوس و کامپوچیا را محکوم کردند. اتحاد شوروی و ویتنام بر تعایل خود به برقراری مناسبات عادی با چین بدون ایراد لطمه به کشورهای ثالث تاکید کردند.

رفیق انریکو برلینگو درگذشت

رفیق انریکو برلینگو در دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا روز دوشنبه ۱۱ ژوئن (۲۱ خرداد) درگذشت. وی که در یک میتینگ انتخابی روز پنجشنبه ۷ ژوئن دچار سکته مغزی شده بود، چهار روز در حالت اغما قرار داشت.

رفیق برلینگو غراز پراسا به ترین مبارزین ضد فاشیست ایتالیا بود. وی از سال ۱۹۴۵ عضو کمیته مرکزی بود و از سال ۱۹۷۲ سمت دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا را بعهده داشت.

احزاب کارگری و کمونیستی از سراسر جهان ضمن تلگرامهای تسلیت، از شخصیت دبیر کل فقید حزب کمونیست ایتالیا تقدیر کردند. رفیق کنستانتین چرننکو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز به همین مناسبت پیامی فرستاد. پیکر انریکو برلینگو ۴ روز چهارشنبه ۱۳ ژوئن در رم تشییع شد.

کمونیست های هند از اقدامات دولت این کشور برای

برقراری نظم پشتیبانی می کنند

در تاریخ ۷ ژوئن (۱۷ خرداد) واحدهای ارتش هند در ایالت پنجاب معبدی در "آرمیتار" راتحت کنترل خود گرفتند. این عمل بدنیال در گریه های شدید سلبان با افراطیون "سیک"

که از ماههای پیش این معبد را ستاد اقدامات خرابکارانه و ترویستی خود در پنجاب قرار داده بودند، انجام گرفت.

به گزارش خبرگزاری هند افراطیون نامبرده علیه ارتش از سلاحهای سنگین مانند یازوکها و خنپاره استفاده کردند. در این عملیات ۲۵۰ ترو ریست و ۴۸ سرباز کشته شدند. در میان کشته شدگان، رهبر جناح تند روی حزب افراطی سیک هانیزدیده می شد.

خانم ایندیرا گاندی نخست وزیر هند در یک نطق رادیو تلویزیونی متذکر شد که رهبری حزب میزور (بنام "حزب خلق") که مدعی دفاع از منافع اقلیت "سیک است، بدست مشی افراطی و متعصب افتاده است که اقدامات آنها علیه وحدت و تمامیت هند می باشد. خانم گاندی تاکید کرد که دولت همچنان آماد میزیر یک راه حل سیاسی است، اما اجازه نخواهد داد که برای رسیدن به خواسته های، ارتزور و اعمال قهر استفاده شود. وی افزود هند متعلق به هند و ها، مسیحیان، سیک ها، بودایی ها و سایر گروههای مردم است. (سیک ها ۱۸ میلیون نفر، یعنی ۲ درصد جمعیت هند را تشکیل می دهند. در دوران سلطه انگلیسی ها اکثر افسران ارتش استعماری از بیرون مذهب سیک بودند. سیک ها در واران استعمار نسبت به بقیه مردم موقعیت ممتازی داشتند). اقدامات دولت برای برقراری نظم با استقبال احزاب مختلف این کشور، از جمله حزب کمونیست هند و حزب کمونیست (مارکسیست) هند رو برو شد.

دستگیری گروهی از رهبران سواپو توسط نژادپرستان آفریقای جنوبی

پلیس رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در نزدیکی "ویندهوک" واقع در نامیبیای اشغالی ۳۷ تن از رهبران و اعضا سازمان رهایی بخش نامی بیا "سواپو" را دستگیر کرد. "دانیل تیونگارو" معاون صدو سواپو، "نیکو بسینگر" سخنگوی خارجی این سازمان و "آنتون پوبسکی" وکیل مدافع سفید پوست، جز دستگیر شدگان هستند. این بازداشتها بر طبق به اصطلاح "قوانین امنیتی" آفریقای جنوبی انجام گرفت که به پلیس اجازه می دهد اشخاص را بدون ذکر دلیل بازداشت و زندانی کند. از سوی دیگر سواپو در میانیه ای که در لو اند اپایتخت آنکولا منتشر شد، پیشنهاد اخیر "پتیربوتا" رئیس نژاد آفریقای جنوبی مبنی بر انتقال قدرت در نامیبیای به دولتهای غریبی رابحنوان مانوری برای ایدی ساختن سلطه استعماری با ربابان جدید افشا کرده است.

در میانیه سواپو آمده است آفریقای جنوبی باید به خواست مردم نامیبیای و افکار عمومی جهان مبنی بر استقلال این کشور گردن نهاده و راه را برای تحقق آن باز کند. این بیانیه می افزایش تازمانی که این حق برسیست شناخته شده است، مبارزه علیه حاکمیت استعماری ادامه دارد.



جشن اول ماه مه در کارخانه ها و محافل کارگری

گزارشهای رسیده از برگزاری جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران حاکی است، علیرغم اینکه حکومت این روز را تعطیل نکند و تضيیقات گوناگونی برای جلوگیری از برگزاری جشنهای کارگران، بعمل آورد، طبقه کارگر ایران با کوشش بسیاری این روز را بر حسب امکانات خود جشن گرفت.

در شماری از کارخانه ها، کارگران با توزیع چای و شیرینی، عید زحمتکشان را گرامی داشتند و همبستگی خود را با هم و دیگر کارگران جهان اعلام کردند.

فعالین کارگری با کوشش فراوان به پخش تراکت و شعارنویسی، نصب پلاکارد، پخش کارت تبریک اول ماه مه پرداختند. سخنرانی و توضیح پیرامون ضرورت تعطیل کردن کار در روز اول ماه مه، توسط فعالین کارگری، چنان موثر بود که در بسیاری از کارخانه ها تعدادی از کارگران بر سر کار حاضر نشدند و تعطیل روز کارخانه ها در این روز عملاً تعطیل گردیدند.

در این روز در کارخانه "ایران اتومبیل" تعداد زیادی از کارگران به سرکار نیامدند. در کارخانه جوهر سازی ایران، کارگران بر تعطیل کردن کارخانه در روز اول ماه تاکید کرده و اظهار داشتند اگر بطور رسمی اول ماه مه تعطیل نگردد، آنها را سا کارخانه را تعطیل خواهند نمود. با عدم پذیرش درخواست آنها توسط کارفرما، کارگران این روز بر سر کار حاضر نگردیدند. مدیریت کارخانه طی بخشنامه ای اعلام کرد که معادل دستمزد روزانه، از حقوق آنها کسر خواهد کرد. اما کارگران زیر بار این اجحاف کارفرما نرفتند و از خروج تولیدات کارخانه جلوگیری کردند. در پی این عکس العمل متحد و متشکل کارگران، مدیریت ناچار به قبول خواست برحق کارگران گشت و حقوق یک روزه آنها را پرداخت نمود.

از کوششهای دیگر فعالین کارگری می توان، برگزاری مسابقات ورزشی، جمع آوری کمک مالی برای خانواده های کارگران زندانی و بازدید از این خانواده ها نام برد.

انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تهران و توابع، سندیکاهای صنایع خیاط، فلز، کارمکانیک، کتابفروشان و بافنده سوزنی و... نیز در بزرگداشت اول ماه مه اعلامیه هایی منتشر کردند.

دهقانان لاهیجانی: زمینهایمان را پس بدهید

در اواخر اردیبهشت ماه حدود ۹۰ تن از دهقانان روستاهای لاهیجان در مقابل دادگستری این شهر تجمع میکنند. و زمینهای خود را که مقامات قضائی آنها را به مالک سابق برگردانده اند، مطالبه میکنند.

پاسداران مسلحانه در این امر دخالت میکنند. دهقانان به پاسداران میگویند "ایین اسلحه ها را ما بودیم که به دست شما دادیم!" و در مقابل آنها مقاومت میکنند.

جلال الدین فارسی و دانشجویان "انجمن اسلامی"

جلال الدین فارسی بعد از پایان مرحله اول انتخابات در جمع انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف شرکت کرده، از لیست نامزدهای "دفتر تحکیم وحدت" انتقاد میکند و میگوید: "احساس قدرت نکنید! شما انتخابات درست نبوده مردی را با چهل سال سابقه مبارزاتی (منظر عسکری ولادی است) کاندیدا نکردید و به جای وی، د و جوان ۲۶ ساله را کاندیدا کردید!" دانشجویان در اعتراض به این سخنان جلال الدین فارسی، مسالسه کناره گیری آواز شورای انقلاب فرهنگی را به عنوان عدم صلاحیت وی طرح کردند. فارسی گفته است: "این صحبتها، شایعه است و من بعثت کار زیاد استعفا دادم!"

وظیفه جدید پاسبانی

شعار نویسی بر روی دیواریکی از شیوه های رایج افشاکاری و تبلیغ نیروهای انقلابی است. حکومت پاک کردن این شعارها را به پاسبانیها و مأمورین گشت کلا تیرها واگذار کرده است.

کمک تسلیحاتی جدید به

ضد انقلابیون افغانی

حکومت از "بیت المال"، به باند های ضد انقلابی افغانی کمک های مالی و تسلیحاتی گسترده ای میکند. طبق اخبار رسیده در اواخر فروردین ماه مقداری قابل توجهی اسلحه و مهمات به وسیله نیروی هوایی جبهت کمک به این باند ها و به نقاط مرزی ایران و افغانستان حمل گردید و به دار دسته ضد انقلابی "الله اکبر"، تحویل داده شده است.

اعتراض صیادان شمال

پس از ایجاد محدودیتهای تازه ای برای صید، از جانب شیلات شمال، صیادان بطور جمعی دست به اعتراض میزنند. سپاه در این امر دخالت کرده و برای پراکنده کردن صیادان اقدام به تیراندازی میکند.

يك رفيق فدائی ، قربانی جنگ طلبی های رژیم گردید

در میان کشته شدگان عملیات خیبر در جزایر مجنون يك رفيق فدائی نیز که دوره سربازی خود را طی نموده است دیده میشود. ۷۰ از جمله بر اساس خبر رسیده، رفیقمان "سعادت کامل سالم" که سال گذشته به خدمت نظام فراخوانده شده بود، در تاریخ ۸ اردیبهشت در این عملیات به شهادت رسیده است. پیکر این رفيق که قربانی جنون جنگ طلبی حکام جمهوری اسلامی گردید، در قائم شهر زادگاه وی تشییع شد.

اعتراض زنان افسریه

۴۰ تن از زنان ساکن شهرک افسریه تهران بطور دسته جمعی به شهرداری محل مراجعه کرده و در مورد عدم جمع آوری زباله و وضعیت آب و برق و... فالت اعتراض میکنند. شهرداری در مقابل مراجعات و اعتراضات مکرر این زنان ناچار به پذیرش برخی درخواستهای مطرح شده، میگردد.

کمک های مالی رسیده

رفیق بهمن از برمن (آلمان فدرال) ۳۰ مارک
رفیق آذر از گوتینگن ۳۰ " "
رفیق سعد از برمن ۳۰ " "

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقا و دوستان رفیق شهید کاوه،
در بریتانیا در اولین سالگرد شهادت او

تأمین کردند

AKSARIYAT
NO. 11
FRIEDAY, 15 JUNE 84

Address آدرس
POSTFACH 23007 آلمان فدرال
6500 MAINZ 23
W. GERMANY
P.O. BOX 101 انگلستان
LONDON N17 6YU
ENGLAND
P.O. BOX 86158 ایالات متحده
LOS ANGELES, CA 90086
USA
C.P. 3125 ایتالیا
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY
P.O. BOX NO 3018 هندوستان
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا